

مجله‌ی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، علمی - پژوهشی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، ۲۰۰۵م

جایگاه جرجی زیدان در داستان‌نویسی معاصر عربی

دکتر خلیل پروینی
دانشیار دانشگاه تربیت مدرس
هومن ناظمیان
(از ص ۱۵ تا ص ۳۲)

چکیده

امروزه ادبیات داستانی، یکی از مهمترین انواع ادبی به شمار می‌رود که خود، انواع مختلفی مانند قصه، داستان کوتاه، رمانس و رمان را در بر می‌گیرد. در این میان، رمان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. در قرن نوزدهم میلادی همزمان با دوران شکوفایی ادبیات داستانی - و به خصوص رمان - در اروپا، اندیشمندان و ادبای عرب نیز، درصدد برآمدند در این عرصه، دست به آفرینش بزنند. از جمله این افراد «جرجی زیدان» مورخ، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته لبنانی مسیحی است که با نگارش سلسله رمانهای تاریخ اسلام، نخستین مجموعه رمانهای تاریخی در ادبیات داستانی عربی را پدید آورد. هدف از این تحقیق، نقد و بررسی داستانهای تاریخی «جرجی زیدان» از نظر هنری و فنی و میزان انطباق آن با حقایق تاریخی است؛ از این رو داستان «غاده کربلا» به عنوان نمونه انتخاب شده است.

واژه‌های کلیدی

ادبیات داستانی، رمان تاریخی، جرجی زیدان.

مقدمه

در میان اندیشمندان و پیشگامان نهضت فکری، علمی، ادبی نوین جهان عرب، چهره‌های شاخص و برجسته‌ای را می‌توان یافت که در زمینه‌های متعدد به فعالیت پراخته و تأثیرگذار بوده‌اند. «جرجی زیدان» مورخ و نویسنده نامدار لبنانی، از این جمله است. او در ۱۴ دسامبر ۱۸۶۱ میلادی در بیروت، در خانواده‌ای تهیدست و بی سواد، دیده به جهان گشود و در ۲۱ ژوئیه ۱۹۱۴ در قاهره، درگذشت. (ر.ک به محمد عبدالغنی حسن، ۱۹۷۰، ص ۷ و ۸ و احمد حسین الطماوی، ۱۹۹۲، ص ۸ و محمد یوسف نجم، ۱۹۷۹، ص ۴۱ و ۴۲).

او در طول عمر نسبتاً کوتاه خود، بیش از بیست عنوان کتاب، در زمینه‌های زبان‌شناسی، تاریخ زبان و ادبیات عربی، تاریخ مغرب زمین، زندگینامه مشاهیر، و... به رشته تحریر در آورد و (ر.ک به محمد عبدالغنی حسن، پیشین، ص ۲۳۶-۲۳۰ و شوقی ابوخلیل، ص ۱۸۲۰ و عصام محفوظ، ۱۹۸۸، ص ۱۵۱) و در معرفی علم تاریخ و زبان‌شناسی به شیوه نوین و علمی، نقش به سزایی ایفا نمود (ر.ک به حنا الفاخوری، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳).

هر چند که پیش از او «سلیم بستانی» نخستین داستانهای تاریخ را در ادبیات نوین عربی، به رشته تحریر در آورده است، اما «جرجی زیدان» نخستین نویسنده‌ای بود که کوشید دوره‌های مختلف تاریخ اسلام و عرب را در قالب مجموعه‌ای رمان، عرضه کند (ر.ک به محمد یوسف نجم، پیشین، ص ۱۷۷ و ۱۷۶ و انیس المقدسی، ۱۹۸۴، ص ۵۱۶). و توانست علی رغم همه ضعفها و کاستیها، افقهای تازه‌ای فراروی داستان نویسان، بگشاید.

رمان تاریخی

رمان تاریخی، بازآفرینی تاریخ است در قالب داستان و در این راه، نویسنده علاوه بر حوادث و حقایق تاریخی، برای ایجاد پیوند میان حوادث و موقعیت‌ها از شخصیتها و ماجراهای خیالی نیز بهره می‌گیرد. زیرا به هر حال اساس داستان را عنصر ابداع و خیال تشکیل می‌دهد و اگر نویسنده خود را صرفاً مقید به حقایق تاریخی نماید، اثر او بیش از آنکه جنبه هنری داشته باشد به یک اثر تاریخی صرف تبدیل می‌شود. از این رو،

نویسنده داستان تاریخی، باید از عنصر خیال و ابداع در چهارچوب حقایق تاریخی، بهره گیرد و ضمن رعایت امانت تاریخی، اثری هنری و خلاق، بیافریند (ر.ک به محمد غلام، ۱۳۸۱، ص ۴۶-۴۱ و ناصر ایرانی، ۱۳۸۰، ص ۵۸۷ و جرمی هاوتورن، ۱۳۸۰، ص ۲۸ و محسن سلیمانی، ۱۳۷۴، ص ۳۳).

قلب این نوع رمان را تخیل تاریخی تشکیل می‌دهد. تخیلی که از شناخت درست تاریخ سرچشمه گرفته باشد و لازمه آن، شناخت گسترده و عمیق نویسنده از دورانی است که قصد دارد آن را در قالب داستان به تصویر بکشد (سعید فضائلی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۲-۱۴۰).

جرجی زیدان، از جمله نخستین نویسندگانی بود که در عرصه داستان‌نویسی تاریخی، دست به آفرینش زد و مجموعه‌ای در خور توجه را به وجود آورد.

داستانهای جرجی زیدان در یک نگاه

جرجی زیدان در مدت بیست و پنج سال، از ۱۸۸۹ تا ۱۹۱۴، بیست و یک رمان تاریخی به رشته تحریر در آورد، او کوشید تا موضوعات خود را به گونه‌ای انتخاب کند تا دوره‌های مختلف تاریخ اسلام و عرب را از صدر اسلام تا دوران معاصر در بر گیرد. (ر.ک به محمد یوسف نجم، پیشین، ص ۱۷۷ و مسهد محمدالدیب، ۱۹۹۸، ص ۸۶-۸۴) می‌توانیم از این داستانها را براساس دورانهای تاریخی که به تصویر کشیده‌اند، بدین گونه دسته‌بندی کنیم:

صدر اسلام عصر فتوحات: فتاه غسان ارمانوسه المصریه

عصر خلفای راشدین: عذراء قریش - ۱۷ رمضان

عصر اموی: غادة کربلاء - الحجاج بن یوسف - فتح الاندلس - شارل و عبدالرحمن

دوران عباسی: ابومسل الخراسانی - العباسه اخت الرشید - الامین و المأمون - عروس

فرغانه - أحمد بن طولون - عبدالرحمن الناصر - فتاه القیروان - صلاح الدین الایوبی

شجره الدر: انقراض بنی عباس

استبداد الممالیک: اواخر دوران ممالیک در عصر

دوران متأخر: المملوک الشارد - اسیر المتهدی - الانقلاب العثماني

جرجی زیدان در انتخاب عناوین داستانهایش، به یک شیوه عمل نکرده، گاه عنوان، مستقیماً به موضوعی اشاره می‌کند، مثلاً «استبداد الممالیک» یا «الانقلاب العثماني» گاه نام یک یا دو شخصیت اصلی و محوری، عنوان داستان را تشکیل می‌دهد، مانند «عبدالرحمن الناصر»، «شارل و عبدالرحمن»، «الحجاج بن یوسف». در مواردی هم عنوان داستان بر اساس بعد عاطفی ماجرا، تعیین می‌شود، مانند «فتاه غسان»، «عروس فرغانه»، «عذراء قریش». گاهی نیز نویسنده، عنوان را به گونه‌ای انتخاب می‌کند تا بیانگر جنبه ماجراجویانه و حادثه‌ای داستان باشد. مانند «المملوک الشارد»، «اسیر المتمدی» (ر.ک به مسعد محمدالدیب، پیشین، ص ۸۹). برخی صاحب‌نظران معتقدند که علت این نوع انتخاب این بوده که «جرجی زیدان» می‌خواسته در عین پابندی به تعلیم تاریخ - که هدف اصلی او از نگارش این داستانه بوده - جنبه سرگرمی و تشویق خوانندگان عادی و عامی را نیز حفظ کند (عبدالحسین طه بدر، پیشین، ۱۹۶۳، ص ۹۵-۹۴).

اگر به موضوعات داستانهای «جرجی زیدان» توجه کنیم، این نکته توجه ما را به خود جلب می‌کند که او به سراغ دوره‌های آرام و بی‌دغدغه تاریخ عرب و اسلام یا دورانهای درخشان و با ثبات تاریخی نرفته، بلکه موضوعات خود را از مقاطعی برگزیده که در آن، دو عنصر یا دو فرهنگ با یکدیگر در حال منازعه و کشمکش هستند، مقاطع حساس و پرماجرا؛ به عنوان مثال، دوران فتوحات صدر اسلام، سقوط دولتهای حیره و غسان، فتح دمشق، نبرد قادسیه یا حوادث اواخر دوران خلافت خلیفه سوم و وقایع دوران خلافت حضرت علی (ع) که از پر آشوب‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام است، یا واقعه کربلا، کشمکش میان حجاج بن یوسف ثقفی با آل زبیر... فتح «اندلس» و نبردهای مسلمانان و مسیحیان در جنوب فرانسه... از میان حوادث دوران طولانی خلافت عباسیان نیز به سراغ مقاطع پرتنش می‌رود: سرنگونی و سیه روزی «برمکیان» جنگ میان «امین» و «مأمون» بر سر قدرت، انقراض دولت فاطمینان، سرنگونی عباسیان و...

علت این نوع انتخاب را می‌توان در دو عامل جستجو کرد. اول اینکه «جرجی زیدان» که می‌خواست با نگارش داستانهای تاریخی برای طبقات مختلف مردم، توجه مردم

عادی را به تاریخ، جلب کند، نمی‌توانست از فضا و حال و هوای داستانهای عامیانه - که عمدتاً بر حادثه و ماجراجویی، استوار بود و طبقات عادی جامعه با آن انس گرفته بود - زیاد فاصله بگیرد. (ر.ک به عبدالمحسن طه بدر، همان، ص ۹۸). از این رو، ناگزیر بود برای جلب توجه این گروه، و علاقه‌مند ساختن آنها به مطالعه تاریخ در قالب داستان، از عامل حادثه و ماجراجویی به عنوان عامل مشوق، بهره گیرد.

دومین عامل را باید در برخی ویژگیهای داستانهای تاریخی، جستجو کرد؛ از جمله این ویژگیها، توجه به دوره‌های پرکشمکش و پرحادثه است. این داستانها عمدتاً به دورانهایی می‌پردازند که در آن دو فرهنگ یا دو قدرت با هم به ستیز و جدال مشغولند. (ر.ک به جمال میرصادقی، پیشین، ص ۴۲۷).

جرجی زیدان، برای اینکه بتواند به آسانی حوادث و ماجراهای متناسب با ذوق و سلیقه مخاطبان عامی را به لابه لای حوادث تاریخی بگنجانند، نیازمند پرداختن به دورانهایی از تاریخ بود که بتواند چنین جوی را برای نویسنده فراهم کند، به همین دلیل، مقاطعی را بر می‌گزیند که در آن، گروههای مختلف در حال ستیز و کشمکش باشند. در چنین موقعیتی، نویسنده می‌تواند در خلال حوادث تاریخی، ماجراهای عاطفی را نیز، بگنجانند تا خواننده را به مطالعه ادامه داستان تشویق کند خود او درباره روش کار خود می‌گوید: «... اساس کار ما در داستانمان، بر تاریخ، استوار است و حوادث داستان را تنها برای تشویق خوانندگان به مطالعه، می‌آوریم. بنابراین، حوادث تاریخی، همانگونه که هستند، باقی می‌مانند و ما داستانی عاطفی را در (خلال) آن می‌گنجانیم تا خواننده را به ادامه مطالعه، تشویق و ترغیب کند...» (مقدمه رمان الحجاج بن یوسف، به نقل از عصام محفوظ، پیشین، ص ۱۴۸ و محمد عبدالغنی حسن، پیشین، ص ۱۰۱ و مسعد محمدالدیب، پیشین، ص ۸۳).

انگیزه و اهداف جرجی زیدان از نگارش رمانهای تاریخی

پیدایش داستان نویسی تاریخی در ادبیات معاصر عربی و توجه داستان نویسان به تاریخ، جزئی از رویکرد عام به تاریخ بود که از عصر «نهضت» و به خصوص دوران حکومت

خدیو «اسماعیل» (۱۸۸۲-۱۸۶۳) در میان فرهیختگان و اندیشمندان عرب، رواج یافت و در اشکال متنوعی بروز کرد. این گرایش از یک طرف، سبب شد تا متفکران و صاحبان قلم، به تاریخ ملل عرب و فرهنگ و تمدن گذشته خود، توجه کنند، و از سوی دیگر، به بررسی و مطالعه تاریخ مغرب زمین بپردازند (ر.ک به عبدالمحسن طه بدر، پیشین، ص ۹۲).

ریشه‌ی این رویکرد را می‌توان در دو عامل جستجو کرد. افزایش اختناق و ستم امپراطوری عثمانی بر ممالک عربی تحت سلطه و اشغال بخشهایی از جهان عرب توسط استعمارگران اروپایی از یک طرف، آشنایی متفکران، ادبا و فضلاء عرب، در طول قرن نوزدهم، با مظاهر فرهنگ و تمدن غربی و تلاش برای خروج از وضعیت ضعف و عقب ماندگی - که از آن تحت عنوان عصر نهضت یاد می‌شود - همه و همه، ادبا و فضلا را بر آن داشت تا با زنده کردن یاد و خاطره مفاخر، میراث و گذشته تمدن اسلامی و عربی، ضمن آشنا ساختن نسلهای جوان با میراث گذشته و تشویق آنان به تلاش در جهت احیای مجدد عظمت قدیم، بخشی از دردها، رنجها و عقب ماندگیهای ملل عرب در بند استبداد و استعمار را با یاد و خاطره گذشته، تسکین دهند. (ر.ک به سالم المعوش، ۱۹۹۹، ص ۳۴۴ و محمد یوسف نجم، ص ۱۵۷-۱۵۴).

علاوه بر این شرایط فکری و فرهنگی، علاقه فراوان «جرجی زیدان» به تاریخ را نباید از نظر دور نگاه داریم. تقریباً نیمی از آثار غیر داستانی او را کتابهایی با موضوعات تاریخی تشکیل می‌دهد. مانند «تاری التمدن الاسلامی»، «تاریخ مصر الحدیث...»، «العرب قبل الاسلام». «التاریخ العام منذ الخلیفه إلى الآن»، «تاریخ آداب اللغة العربیه» و... (ر.ک به شوقی ابوخلیل، پیشین، ص ۱۸۲ و محمد عبدالغنی حسن، پیشین، ص ۲۳۶-۲۳۰).

علاقه شدید او به تاریخ از یک سو، رواج داستان و به خصوص ترجمه رمانهای غربی در جراید آن دوران - که بسیار مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت (ر.ک به هامیلتون گیب، ۱۳۷۱، ص ۵ و سالم المعوش، پیشین، ص ۳۳۶) و نیز رویکرد عام به تاریخ، جرجی زیدان را بر آن داشت تا در صدد برآید از طریق داستان نویسی، طبقا عامی جامعه را با تاریخ آشنا کند. خود او در مقدمه رمان «الحجاج بن یوسف» که به آن اشاره

شد در این باره می‌نویسد: «به تجربه دریافتیم که نشر تاریخ در قالب رمان، بهترین راه تشویق مردم به مطالعه و فراگیری تاریخ است، به خصوص که ما می‌خواهیم تاریخ بر رمان حاکم باشد نه رمان بر تاریخ...». (به نقل از عصام محفوظ، پیشین، ص ۱۴۸ و محمد عبدالغنی حسن، پیشین، ص ۱۰۰ و مسعد محمدالدیب، پیشین، ص ۸۳). او در این مقدمه، صراحتاً هدف خود را تعلیم تاریخ به طبقات عامی مردم در قالب داستان، معرفی می‌کند.

داستان «غادة كربلاء»

از آنجایی که نقد و بررسی همه داستانهای جرجی زیدان در این مجال کوتاه ممکن نیست، داستان «غادة كربلاء» به عنوان نمونه انتخاب شده است.

خلاصه داستان

این رمان که حدود ۱۸۳ صفحه دارد، هشتمین رمان تاریخی «جرجی زیدان» است که در مجله «الهلال» که نویسنده آن را به سال ۱۸۹۲ در مصر تأسیس کرد - در شماره‌های سال ۱۹۰۱-۱۹۰۰ منتشر کرد. پیش از بررسی داستان به اجمال نگاهی خواهیم داشت به خلاصه آن.

در سال ۶۰ هجری، پس از درگذشت «معاویه» و روی کار آمدن «یزید»، «سلمی» دختری «حجر بن عدی» به همراه پسر عموی خود «عبدالرحمان» - که سخت دلپسته هم هستند - و پدرخوانده شان «عامر» از کوفه، راهی دمشق می‌شوند تا به انتقام خود «حجر بن عدی»، «یزید بن معاویه» را به قتل برسانند و خلافت را به اهل بیت (ع) بازگردانند.

آنها در نزدیکی دمشق، در باغات اطراف شهر که به «غوطه دمشق» معروف است، در دیری که «دیر خالد» نامیده می‌شود، اتراق می‌کنند. فردای ورود آنان به آن مکان، خبر می‌رسد که «یزید» برای شکار و تفریح به همراه خدم و حشم، عازم آنجاست. «عبدالرحمان» فرصت را غنیمت می‌شمارد و می‌کوشد تا در فرصتی مناسب، «یزید» را به قتل برساند، اما «شمر بن ذی الجوشن» که از کوفه تا دمشق، مخفیانه در تعقیب آنها

بوده، مانع از اجرای نقشه «عبدالرحمان» می‌شود، بدین ترتیب او به دام افتاده و دستگیر می‌شود.

از طرف دیگر، علاوه بر «شمر»، «عبیدا... بن زیاد» و حتی خود «یزید»، که به طور تصادفی «سلمی» را در دیر دیده‌اند، خواستگار او می‌شوند!... و عاقبت، «سلمی» با این فکر که خود، «یزید» را به قتل برساند می‌پذیرد که به همسری او در آید. اما درست پیش از اینکه بتواند نقشه خود را عملی کند، «یزید» توسط «شمر» و «عبیدا...» از حقیقت امر مطلع می‌شود، ولی چون به «سلمی» دل بسته، او را به میان مجازات مرگ یا توبه و لعن حضرت امیر (ع) مخیر می‌کند، ولی «سلمی» که حاضر نیست از عقاید خود دست بکشد و از طرفی شاهد محاکمه «عبدالرحمن» در حضور خلیفه و محکومیتش به مرگ بوده، مردن را به زنده ماندن ترجیح می‌دهد و در نتیجه به خوردن عسل زهرآگین، محکوم می‌گردد... اما از آن جایی که «عبیدا...» هم دلبسته «سلمی» شده، با پرداخت رشوه به پزشک مخصوص دربار، به جای عسل مسموم، نوعی داروی خواب آور و بی حس کننده به او می‌خوراند و چون به دلیل تحولات سیاسی کوفه و حرکت امام حسین (ع) به سوی عراق، به امارت کوفه منصوب می‌شود، سلمی را با خود، پنهانی به کوفه می‌برد...

از سوی دیگر، عامر کفیل سلمی و عبدالرحمان با راهنماییهای مرد زاهد و مرموزی که در «غوطه دمشق» با او آشنا شده بودند، به دمشق می‌رود و موفق می‌شود از طریق سرداب کلیسای دمشق که در کنار حمام قدیمی شهر - محل زندانی شدن «عبدالرحمن» - قرار دارد، خود را به «عبدالرحمان» برساند و درست در لحظه‌ای که «شمر» قصد دارد «عبدالرحمان» را به قتل رساند، او را از مرگ حتمی، نجات دهد. آندو هنگام فرار از طریق دالانی که حمام قدیمی شهر را به خارج شهر متصل می‌کرد، سخنان دو نفر را که به دستور «عبیدا...» - برای حفظ ظاهر، مشغول کردن قبری برای «سلمی» بودند می‌شنوند و گمان می‌کنند که «سلمی» مرده است. آنها آندوهگین و ناامید، به «غوطه دمشق» و نزد پیرمرد زاهد، باز می‌گردند. او به آنها توصیه می‌کند به کاروان امام حسین (ع) که از حجاز

راهی عراق شده، پیوندند...

از طرف دیگر، «سلمی» در میانه راه دمشق به کوفه، توسط پیرمرد زاهد، از چنگال «عبیدا...» رهایی می‌یابد و همراه او رهسپار کوفه می‌شود، در آنجا خیانت مردم کوفه به مسلم بن عقیل را می‌بیند و حتی در درگیری میان مسلم و سربازان حکومت، به یاری او می‌شتابد و در کنار او شمشیر می‌زند. سپس به کاروان امام حسین (ع) که به نزدیکی کوفه رسیده می‌پیوندد و همه وقایع کربلا و روز عاشورا را به چشم می‌بیند و حتی تلاش می‌کند سلاح در دست گرفته جهاد کند، ولی توسط پیرمرد زاهد، از معرکه دور می‌شود، اما دوباره به به اهل بیت امام (ع) می‌پیوندد و همراه کاروان اسرا به کوفه و دمشق می‌رود و آنجا هم شاهد مجلس جشن یزید و پاسخهای دندان شکن حضرت زینب (س) است...

سلمی در مدتی که در کنار اهل بیت امام (ع) بود، از حضرت زینب (س) می‌شنود که دو نفر از قبیلۀ کنده که به تازگی به کاروان امام حسین (ع) پیوسته بودند، به دستور ایشان به همراه تنی چند از یاران امام (ع) برای کسب خبر درباره اوضاع کوفه و مسلم راهی آن شهر می‌شوند که تعدادی از آنان به اسارت سربازان عبیدا... در می‌آیند... سلمی ناامید از یافتن و دیدار دوباره پدر خوانده و محبوبش عبدالرحمان با کسب اجازه از حضرت زینب (س) از دمشق خارج می‌شود و به همراه پیرمرد زاهد به شهری بصری و دیر بحیرا می‌رود. در آنجا به مدت دو سال و اندی، با نام مستعار مریم به خدمت در دیر، مشغول می‌شود... تا اینکه ناگهان روزی خبر می‌رسد که یزید به قصد تفریح و تفرج از آن مکان عبور خواهد کرد. سلمی نیز، فرصت را غنیمت می‌شمرد و به عنوان خدمتگذار دیر، هنگام پذیرایی از یزید به او زهر می‌خوراند و به این ترتیب موفق می‌شود او را به قتل رساند. سپس همراه پیرمرد زاهد از شهر بصری خارج می‌شوند و در مسیر خود به خرابه‌های شهر بلقاء می‌رسند. همانجاست که سرانجام عامر و عبدالرحمان پس از دو سال و اندی جستجو سلمی و پیرمرد زاهد را پیدا می‌کنند. در پایان داستان معلوم می‌شود که عامر و عبدالرحمان از چنگ سربازان عبیدا... گریخته‌اند و مدتی در کوفه مخفی بودند و نتوانستند خود را به موقع به کاروان امام حسین (ع) برسانند و در تمام این

مدت در جستجوی سلمی بودند...

از طرف دیگر، مشخص می‌شود که آن پیرمرد زاهد و مرموز هم کسی نبوده جز پدر حجرین عدی که پس از به شهادت رسیدن فرزندش به دستور معاویه در سال ۵۱ هجری، بر بالای قبر او کنج عزلت گزیده و از مردم کناره گرفته... او پس از اطمینان یافتن از مرگ یزید و وصال سلمی و عبدالرحمان دراز کشید و با خیالی آسوده جان به جان آفرین تسلیم کرد... سلمی و عبدالرحمان نیز به مکه که در آن هنگام تحت تسلط آل زبیر قرار داشت رفتند و به خوبی و خوشی، روزگار گذراندند.

تحلیل عناصر داستان

در این بخش به بررسی اجمالی عناصر این داستان، یعنی طرح و چهارچوب حوادث، شخصیت برداری و سبک نویسنده، و برخی دیگر از ویژگیهای آن می‌پردازیم. نام این داستان، یعنی «غاده کربلا» از یک طرف به جنبه تاریخی و واقعی آن یعنی حماسه کربلا، اشاره می‌کند، و از طرف دیگر بیانگر جنبه عاطفی و خیالی داستان است. شایان ذکر است که کلمه غاده به معنی زن نرم و لطیف اندام است.

در این داستان، طرح و چهارچوب، به دلیل تعداد حوادث، تا حدی دچار از همگسستگی است؛ نویسنده، چند ماجرا را با هم و در کنار هم نقل می‌کند و خواننده باید با حضور ذهن همه را بی آنکه احیاناً سردرگم شود دنبال کند. همین مسأله سبب می‌شود تا خواننده نتواند رشته افکار خود را منظم کند.

نویسنده توجهی به ویژگیهای شخصیتی، حالات روحی و خلقی شخصیت‌های داستان، نمی‌کند. شخصیت سلمی، عبدالرحمان، عامر، پیرمرد زاهد، نمونه‌های مطلق خوبی، نیک و پاکی هستند و شخصیت‌های مقابل، مانند یزید، شمر، عیباد... نمونه‌های مطلق شر و بدی. تحول و دگرگونی در افکار، روحیات و ویژگیهای مختلف این شخصیتها، رخ نمی‌دهد. آنها در پایان داستان، همانند که در آغاز بوده‌اند در واقع آنها شخصیتها ایستا هستند و نه پویا.

نویسنده، شخصیتها، به خصوص شخصیت‌های تاریخی را به درستی و عمیق، معرفی نمی‌کند. خواننده با توصیف‌هایی که از زبان شخصیت‌های داستان می‌شنود، به طور کلی با برخی خصوصیات شخصیت‌های تاریخی، آشنا می‌شود. مثلاً در می‌یابد که یزید خوشگذران و لابلالی بوده یا اینکه شمر و عبید... افرادی خبیث و ستمکار بوده‌اند. اما نویسنده در مورد این شخصیتها، علل و انگیزه اعمالشان، تحلیل و توضیحی نمی‌دهد و خواننده را با ریشه‌های وقایع تاریخی آشنا نمی‌کند. در مواردی در بیان انگیزه اعمال قهرمانان، سؤالهایی در ذهن خواننده باقی می‌ماند مثلاً اینکه چرا سلمی و عبدالرحمان می‌خواهند انتقال خون حجربن عدی را از یزید بگیرند در حالی‌که حجر به دستور معاویه به شهادت رسید؟!!

درباره علل و ریشه‌های قیام امام حسین (ع) نیز نویسنده، برخی اطلاعات تاریخی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد، اما آنها را عمیقاً با ریشه‌های قیام، و نیز ابعاد شخصیتی آن حضرت (ع) آشنا نمی‌سازد. شاید به این علت که نویسنده بیشتر توجه خود را به حادثه‌پردازی و نقل ماجراها، معطوف ساخته است.

استفاده از زاویه دید دانای کل برای روایت داستان، دست نویسنده را کاملاً باز گذاشته است. او به راحتی به درون شخصیتها می‌رود و از زبان آنها سخن می‌گوید و به نقل حوادث داستان می‌پردازد. گاهی هم مستقیماً در روند نقل داستان مداخله کرده، همچون یک نقال، خواننده را مورد خطاب قرار می‌دهد و مثلاً می‌گوید: اکنون ابوالحکم (پزشک مخصوص دربار) را در حال آماده ساختن عسل مسموم رها می‌کنیم و بر می‌گردیم به عامر و عبدالرحمان پس از خروج از دیر (غاده کربلا، ص ۹۵) در جای دیگر می‌گوید: اکنون عامل و عبدالرحمان را در راهشان به سوی مکه رها می‌کنیم و بر می‌گردیم به دمشق تا ببینیم برای سلمی، پس از اینکه یزید دستور داد به او عسل (مسموم) طبیعی بخورانید چه اتفاقی افتاد (همان، ص ۱۰۶)... این حضور آشکار راوی، وسط داستان، آن را از حالت طبیعی خود خارج می‌کند و نشان می‌دهد که نویسنده برای حفظ انسجام سیر حوادث و به تبع آن، انسجام رشته افکار خواننده، ناگزیر خود مداخله

کرده تا ذهن خواننده را خود جهت بدهد.

سبک نویسنده

سبک نگارش جرجی زیدان ساده و روان است. در جملات او، کلمات پر طمطراق و سنگین دیده نمی‌شود و صنایع و آرایه‌های لفظی، جایگاهی ندارد. ریشه این نوع سبک را می‌توان در دو عامل، جستجو کرد. یکی اینکه هدف اصلی جرجی زیدان از داستان نویسی، تعلیم تاریخ بود نه خود هنر داستان، همین هدف، سایر ابعاد کار او را تحت تأثیر خود قرار داده بود. از طرف دیگر، او به معنی واقعی کلمه، ادیب نبود. در واقع او پیش از آنکه ادیب و رمان نویس باشد، مورخ و روزنامه نگار بود طبیعی است که سبک او در داستان نویسی همان سبک ساده و روان تاریخ نویسی و روزنامه‌نگاری باشد.

جنبه‌های تعلیمی داستان

از همان صفحات نخست، گرایش نویسنده به تعلیم تاریخ، کاملاً آشکار است. مانند اغلب داستانهایش، در آغاز به معرفی فهرست وار قهرمانان و شخصیت‌های داستان می‌پردازد، سپس منابع تاریخی مورد استفاده را ذکر می‌کند. (همان، ص ۴).

سپس طی یک مقدمه دو صفحه‌ای، تحت عنوان فذلکة تاریخیه درباره بنی امیه و بنی هاشم و روابط میان آنها قبل و بعد از اسلام، اطلاعاتی به خواننده ارائه می‌کند (همان، ص ۵). این معمولاً روش اوست تا خوانند را با حال و هوای دوران تاریخی مورد نظر، آشنا کند. پس از فراغت از این مقدمه تاریخی، وارد اصل داستان می‌شویم. در آنجا هم، در حدود یک صفحه و نیم، به بیان موقعیت و ویژگیهای جغرافیایی مکان شروع داستان، یعنی غوطه دمشق، اختصاص می‌یابد و نویسنده جزئیات ساختمان دیر خالد را که نخستین منزلگاه قهرمانان داستان و نقطه آغاز آن است می‌پردازد.

همین شرح و توصیفهای طولانی است که داستان را از حالت طبیعی و هنری خود خارج می‌کند و آن را به یک کتاب آموزش تاریخ و جغرافی شبیه می‌سازد. همانطور که

در خلال داستان، هر جا نام شهر یا مکانی به میان می‌آید، نویسنده روند اصلی داستان را رها کرده، چند سطر و گاهی یکی دو صفحه، به بیان سوابق تاریخی و موقعیت جغرافیایی آن مکان می‌پردازد و با این کار، رشته افکار خواننده را از هم می‌گسلد و در هیأت یک معلم تاریخ و جغرافی در برابر خواننده ظاهر می‌شود.

داستان «غادة كربلا» در آیینۀ تاریخ

جرجی زیدان معتقد بود، در داستان تاریخی، خیال و واقعیت، باید به گونه‌ای درهم آمیخته شوند که خواننده نتواند آنها را از هم تشخیص بدهد (ر.ک به احمد حسین الطماوی، ۱۹۹۲، ص ۱۲۳) البته عنصر خیال از پایه‌های اساسی هنر داستان‌نویسی است و حضور آن درک نار واقعیت، از ویژگیهای اصلی داستان تاریخی محسوب می‌شود. اما این حضور نباید آنچنان باشد که واقعیات تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهد. بلکه باید در چارچوب واقعیات تاریخی قرار گیرد (ر.م به محمد غلام، پیشین، ص ۴۶-۴۳).

اما به نظر جرجی زیدان بیش از حد به نیروی خیال میدان داده و در مواردی خواننده را در شناخت حقایق تاریخ، دچار اشتباه می‌کند: قهرمان اصلی این داستان سلمی دختر حجر بن عدی است. اما آیا به راستی حجر بن عدی چنین دختری داشته است؟ شوقی ابوخلیل در کتاب خود جرجی زیدان فی المیزان صراحتاً بیان می‌کند که با استناد به منابع تاریخی، چنین شخصیتی وجود خارجی نداشته و زاییده تخیل نویسنده است. (شوقی ابوخلیل، پیشین، ص ۹۴)

نگارنده برای حصول اطمینان از صحت و سقم این نظر، به منابع متعدد تاریخی و همچنین پایگاه اینترنتی الوراق که خود دائرة المعارف عظیمی شامل صدها عنوان کتاب در موضوعات گوناگون است، مراجعه نمود. اما نامی از دختر حجر بن عدی چه تحت عنوان سلمی و یا نامی دیگر نیافت. (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۲۲۱-۲۱۷ و الصفدی، ۱۹۸۱، ج ۱۱، ص ۳۲۳-۳۲۱ و الزرکلی، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۱۶۹ و عمر رضا کحاله، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۳۹ و دائرة المعارف تشیع، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۰۷-۱۰۴ و الطبری، ۱۹۸۸، ج ۳، ص ۲۳۶-۲۱۹ و ابن اثیر، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۱۲-۲۰۹۹ و دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۷۶۸۱).

آنچه از این منابع استنباط شد این بود که «حجر بن عدی» دارای دو پسر به نامهای عبدا... و عبدالرحمان بوده که در سال ۶۷ هجری همراه مختار ثقفی به دست مصعب بن زبیر به شهادت رسیدند و پسر عمویشان، معاذ بن هانی پس از شهادت آنها به شام گریخته است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که می‌توان نتیجه گرفت که سلمی و پسر عمویش عبدالرحمان شخصیت‌هایی خیالی هستند که نویسنده برای ایجاد ارتباط میان حوادث مختلف تاریخی آنها را به وجود آورده است. و البته بیش از حد، به آنها میدان داده به گونه‌ای که آنها دست به اعمالی زده‌اند که در منابع تاریخی به آنها اشاره نشده است! به عنوان مثال بر طبق این داستان سلمی موفق می‌شود یزید را با زهر به قتل رساند اما منابع تاریخی یاد شده، هیچ اشاره‌ای به مسموم شدن یزید نکرده‌اند و مرگ او را طبیعی و یا در اثر کثرت در لهو و لعب دانسته‌اند، ضمن اینکه طبق داستان یزید در حوالی شهر حوران در گذشته (غاده کربلا، ص ۱۸۷) اما به گواهی تاریخ، محل مرگ او روستای حوارین از توابع شهر حمص بوده است. (الطبری، پشین، ص ۳۶۲، ابن اثیر، پیشین، ص ۲۳۰۹ و سیوطی، ۱۹۸۶، ص ۲۳۳ و الکتبی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۷ و ۲۳۳ و مسعودی، بی تا، ج ۳، ص ۶۳).

از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که طبق داستان، عبیدا... برای به دست‌گیری امارت کوفه از دمشق عازق آن شهر شد، در حالی که طبق منابع تاریخی او در این هنگام، حاکم و مقیم بصره بود و از بصره عازم کوفه شد. (الطبری، پیشین، ص ۲۸۰ و جعفر شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۴) اما جرجی زیدان برای اینکه میان سلمی و شخصیت‌های تاریخی، پیوند ایجاد کند و حوادث مختلف را به هم متصل کند، عبیدا... را از بصره به دمشق و کاخ یزید می‌برد!

نکته دیگری که بسیار جالب است این که در واخر ص ۱۴۵ داستان، جایی که فرستاده عمر سعد از امام حسین (ع) علت آمدنشان به عراق را سؤال می‌کند. نویسنده از قول ایشان می‌گوید: «ساکنان شهر شما به من نامه نوشتند که بیا، من هم آمدم، اگر نمی‌خواهید، باز گردم یا اینکه به نزد یزید می‌روم و دستم را در دست او می‌گذارم» در

حالیکه اگر چنین اندیشه‌ای حتی برای یک لحظه هم به ذهن ایشان خطور کرده بود، دیگر چه نیازی بود که ایشان از حجاز راهی عراق شوند؟ همانجا با حاکم اموی بیعت می‌کردند و مسیر تاریخ شیعه کاملاً دگرگون می‌شد.

رمان حادثه‌ای یا رمانس؟

رمان «غاده کریلا» و به طور کلی رمانهای تاریخی جرجی زیدان، از نظر طرح و چارچوب، شخصیت‌پردازی و حادثه، دارای بسیاری از ویژگیهای رمانس و رمان حادثه‌ای هستند.

عشقهای پرشور و اعمال سلحشورانه قهرمانان برای رسیدن به هدف که غالباً وصال محبوب است قرارداد. (ر.ک به جمال میرصادقی، پیشین، ص ۳۹۵) این نوع داستانی بر مبالغه، حوادث شگفت‌انگیز و ماجراجویی متکی است و اساس آن را عشقهای پاک و پرشور، اسطوره و تلاش سلحشورانه قهرمانان نجیب و اصیل برای رسیدن به وصال محبوب و شکست دشمنان خبیث و پلید، تشکیل می‌دهد. (ر.ک به جهاد عطانعیسه، ۲۰۰۱، ص ۷).

خطوط کلی طرحهای رمانس، تقریباً به هم شبیه است؛ دو جوان زیبا و پاکدامن، به هم دل می‌بازند و از شهر و دیارشان بیرون می‌روند و از هم جدا می‌شوند. با خطرها و آزمونهایی رو به رو می‌شوند ولی سرانجام به سلامت آنها را پشت سر می‌گذارند، به وصال هم می‌رسند و طعم خوشبختی را می‌چشند. (ر.ک به ناصر ایرانی، پیشین، ص ۱۱۸) در رمانس بیان حوادث و ماجراها در درجه اول اهمیت قرار دارد و شخصیتها تا جایی ارزش دارند که بتوانند روند حوادث را پیش ببرند. (ر.ک به ادوین می‌یور، ۱۳۷۴، ص ۲۴ و محسن سلیمانی، پیشین، ص ۱۵).

در رمان حادثه‌ای که ساده‌ترین انواع رمان است هم مانند رمانس، طرح و شخصیت‌پردازی در درجه دوم اهمیت قرار دارد و نویسنده توجه خود را به نقل حوادث مهیج معطوف می‌کند. (ر.ک به محمد یوسف نجم، بی تا، ص ۱۴۳). حوادث مهیج و پرجاذبه که حس کنجکاوی خواننده را تحریک می‌کند و او را برای یافتن پاسخ این پرسش که سرانجام چه

خواهد شد؟ به دنبال خود می‌کشاند. در این نوع رمان، شخصیتها و طرح داستان، تابع حوادث، از این رو طرح داستان سست و ضعیف است (جمال میرصادقی، پیشین، ص ۴۵۴ و محسن سلیمانی، پیشین، ص ۳۹).

از آنجایی که در این نوع رمان، هدف، راضی کردن خواننده است داستان باید پایانی خوش داشته باشد. زیرا خواننده این نوع رمان، تنها از مخاطراتی لذت می‌برد که بداند قهرمانان داستان به سلامت از آن عبور خواهند کرد (رک به ادوین می‌پور؟ پیشین، ص ۲۵ و محمود یوسف نجم، پیشین، ص ۱۴۴).

از جمله نکات مشترک این دو نوع داستانی می‌توان به ایستایی و مطلق‌گرا بودن شخصیتها اشاره کرد. یا خوبند و پاک، یا پستند و پلید. معمولاً حد وسط ندارند. می‌توان داستان «غاده کربلا» و به طور کلی داستانهای جرجی زیدان را در زمره رمانسها و رمانهای حادثه‌ای قرار داد. طرح ضعیف و غیر منسجم، تعدد حوادث پرکشش و ماجراجویانه، ایستایی و مطلق بودن شخصیتها، عدم توجه به تجلیل شخصیتی و فکری شخصیتها، از جمله ویژگیهایی هستند که داستانهای جرجی زیدان را در دسته رمانس و رمان حادثه‌ای قرار می‌دهند.

نتیجه

جرجی زیدان، با آنکه در اصل مورخ و روزنامه‌نگار بود، نه ادیب و رمان نویس، توانست مجموعه‌ای بیافریند که در زمان خود بی سابقه و بی نظیر بود. او کوشید تا دوره‌های مختلف تاریخ اسلام و عرب را در قالب سلسله رمانهایی به توده‌های مردم معرفی کند. هرچند که گرایش تعلیمی از یک سو، تلاش برای جانب مخاطب عامی، از سوی دیگر، سبب شد تا داستانهای او از نظر هنری و فنی دچار ضعفهای متعددی شود و در سطح رمانس و رمان حادثه‌ای که ساده‌ترین انواع رمان است باقی بماند.

هر چند که او کوشید پایبند حقایق تاریخی باشد اما تلاش برای جلب نظر مخاطب عامی و به دنبال آن، بهره‌گیری از عنصر حادثه‌پردازی جذاب و پرکشش، سبب شد در

مواردی، شخصیت‌های خیالی بیش از حد در عرصه تاریخ به فعالیت پردازند و حوادثی بیافرینند که در منابع تاریخی ذکر نشده است. و این امر می‌تواند خواننده عامی را در شناخت واقعیات تاریخی دچار اشتباه کند.

در مجموع، به نظر می‌رسد، جرجی زیدان به عنوان یک مورخ که تلاش کرد طبقات عامی و عادی جامعه را در قالب داستان با تاریخ آشنا کند، در حد بضاعت خود، موفق بوده است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین، تاریخ کامل، ترجمه محمد حسین روحانی، ج ۵، چ دوم، تهران، اساطیر، ۱۳۷۶.
۲. ایرانی، ناصر، هنر رمان، چاول، تهران، آبانگاه، ۱۳۸۰.
۳. دائره المعارف تشیع، ج ۶، چ اول، تهران، نشر شهید محبی، ۱۳۷۶.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۵، چ اول از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. سلیمانی، محسن، رمان چیست، چ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
۶. شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، چ بیستم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
۷. غلام، محمد، سیر و نقد و تحلیل رمانهای تاریخی فارسی، چ اول، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۱.
۸. فضائلی، سعید، انواع داستان بلند، چ اول، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فرهنگی ایران، ۱۳۷۶.
۹. گیب، هامیلتون، ادبیات نوین عرب، ترجمه یعقوب آژند، چ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۱.
۱۰. میر صادقی، جمال، ادبیات داستانی، چ سوم، تهران، سخن، ۱۳۷۶.
۱۱. می‌یور، ادوین، ساختار نوول، ترجمه فرخ تمیمی، چ اول، تهران، بزرگمهر، ۱۳۷۴.
۱۲. هاوتورن، جرمی، پیش درآمدی بر شناخت رمان، ترجمه شاپور بهیان، چ اول، اصفهان، نقش خورشید، ۱۳۸۰.
۱۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۴. ابوخلیل، شوقی، جرجی زیدان فی المیزان، ط ۲، دمشق، دارالفکر، ۱۹۹۸.
۱۵. الزرکلی، خیرالدین، اعلام، ج ۲، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۶.
۱۶. زیدان، جرجی، غاده کربلاء، بیروت، المكتبة الادبیه، بی تا.
۱۷. السیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تصحیح قاسم الشماعی الرفاعی و شیخ محمد

- العثماني، ط ١، بيروت، دارالقلم، ١٩٨٦.
١٨. الصفدي، صلاح الدين الوافي بالوفيات، ج ١١، تصحيح شكري فيصل، بيروت، داراحياء التراث العربي، ١٩٨١.
١٩. الطبري، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، ج ٣، ط ٢، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٩٨٨.
٢٠. الطماوي، احمد حسين، جرجي زيدان، الهيئه المصريه العامه للكتاب، بي جا، ١٩٩٢.
٢١. طه بدر، عبدالمحسن، تطور الروايه العربيه الحديثه في مصر، قاهره، دارالمعارف، ١٩٦٣.
٢٢. عبدالغني حسن، محمد، سلسله الاعلام العرب، جرجي زيدان، الهيئه المصريه العامه للتأليف و النشر، بي جا، ١٩٧٠.
٢٣. الفاخوري، حنا، الجامع في تاريخ الادب العربي، ج ٢، ط ١، تهران، ذوى القربى، ١٣٨٠.
٢٤. الكتبي، محمد بن شاكر، فوات الوفيات، ج ٤، تصحيح احسان عباس، بيروت، دار صادر، بي تا.
٢٥. كحاله، عمر رضا، اعلام النساء في عالمي العرب و الاسلام، ج ٢، ط ٩، بيروت، مؤسسه الرساله، ١٩٨٩.
٢٦. محفوظ، عصام، حوار مع رواد النهضه العربيه، ط ٢، لندن، رياض الريس للكتب و النشر، ١٩٨٨.
٢٧. محمد الديب، مسعد، القصة التاريخيه الاسلاميه في مصر، ط ١، قاهره، دارالامين، ١٩٩٨.
٢٨. المسعودي، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ٣: تحقيق محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت، المكتبه الاسلاميه، بي تا.
٢٩. المعوش، سالم، الادب العربي الحديث، نماذج و نصوص، ط ١، بيروت، دارالمواسم، ١٩٩٩.
٣٠. المقدسي، انيس، الفنون الديبيه و اعلامها في النهضه العربيه الحديثه، ط ٤، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٨٤.
٣١. يوسف نجم، محمد، فن القصة، ط ٧، بيروت، دارالثقله، بي تا.
٣٢. يوسف نجم، محمد، القصة في الادب العربي الحديث، بيروت، دارالثقافه، ١٩٧٩.
٣٣. عطا نعيسه، جهاد، روائية الروايه، مجلة الموقف الادبي، العدد ٣٦٧، تشرين الثاني ٢٠٠١، اتحاد الكتاب العرب بدمشق.
٣٤. پایگاه اینترنتی الوراق. <Http://www.alwarag.com>
- <Http://www.awu-dam.org>

The Position of George
Zeidan in the Contemporary Arabic Fiction

Khalil Parvini

Tarbiyat-e-Modarres University

Homman Nazemiyan

Today, fiction is one of the most important literary genres. Fiction may also be classified in the short story, the novel, tale, fable, legend, etc. Among these subclasses the novel has a specific position. In the 19th cent. the European and Arabic novels flourished a lot and the great novelists created outstanding novels. George Zeidan, the great Christian and Arab author, historian, and journalist, is one of these massive figures. He wrote many Islamic historical novels.

In this way he created the first Arabic historical novels.

In this article, it has been tried to survey his historical novels from the artistic and technical points of view. His novel, the Heroine of Karbala has been selected as a sample of this research.

Key words: George Zeidan, fiction, historical novel.